

ویژه کارکنان شهرداری‌ها، دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی شهر و روستا

نحوه عمل در مقابل حوادث غیر مترقبه طبیعی

آماده سازی مدیران شهری برای مقابله با وضعیت های اضطراری (بخش دوم)

امروزه ضرورت برنامه‌ریزی و تدوین خط مشی‌های مناسب برای کاهش آسیب‌پذیری جوامع شهری قبل و پس از وقوع فاجعه، به اثبات رسیده است و کاملا واضح است که هرگونه برنامه‌ریزی، نیازمند شناخت صحیح زمینه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، محیطی و ... در راستای اجرای برنامه در آن محیط شهری می‌باشد.

در مناطق شهری، اثرات زاینبار معمول در اثر وقوع سوانح طبیعی، شامل تلفیقی از ویرانی‌های کالبدی و اختلال عملکرد عناصر شهری است. انهدام سازه‌ها و ساختمان‌های مسکونی، شبکه راه‌ها و دسترسی‌ها مثل تلفن، برق، لوله کشی آب، گاز و ... از آن جمله هستند. غیر از آسیب‌های مستقیم ناشی از ویرانی تاسیسات و ابنیه، خسارت حوادث تبعی را نیز باید مدنظر داشت. حوادث انسانی به عنوان یکی دیگر از ابعاد بحران است که این تلفات به خصوص در مناطقی که از جمعیت زیاد برخوردارند و دارای بافت فشرده ای می باشند، بیشتر می‌گردد. موقعیت ساختمان‌ها وقتی که در سطوح متزلزل مثل سراسیبه‌ها ساخته شده باشند و یا هنگامی که با مصالح سنگین ساخته شده‌اند، میزان تلفات را افزایش می‌دهد.

مهم‌ترین بخش از اقدام‌های مدیریت بحران باید به پیش‌گیری وقوع بحران در اثر سوانح طبیعی به مفهوم کاهش خطرها و آسیب پذیری‌ها معطوف گردد. ضمن آن که توانایی‌های ویژه آمادگی برای مواجهه با بحران از جمله آموزش عمومی و آموزش‌های خاص برای عملیات امداد و نجات را باید مد نظر داشت. عدم وجود برنامه‌های اضطراری و پیش بینی امکانات لازم، می تواند شرایط بحرانی را دشوارتر کند. آمادگی در مقابل حوادث تا حد زیادی تابع مکان قرارگیری سکونتگاه و جغرافیای طبیعی آن و نیز مشخصات کالبدی سکونت‌گاه‌هاست. چنانچه مدیریت بحران را با مفهومی گسترده تر از عملیات پس از وقوع سانحه در نظر آوریم، کاهش خطرها، آمادگی ویژه به طور دائمی و رفع احتیاج‌های خاص پس از وقوع سانحه اعم از اضطراری و کوتاه مدت یا بلند مدت را در برداشته و بدین لحاظ، ارتباطی وسیع تر با برنامه ریزی و طراحی شهری و معماری می یابد.

بنابراین در جوامع شهری با به کارگیری اصول و ضوابط شهرسازی و تبیین مفاهیم موجود در این دانش، می‌توان تا حد زیادی اثرات و تبعات ناشی از حوادث را کاهش داد و از طرفی برنامه‌ریزی شهری می‌تواند نقش موثری در این مقوله داشته باشد. هدف کلی برنامه‌ریزی شهری برای پیش‌گیری از بلایا، تشخیص فرآیند عناصر مخاطره‌آمیز و تقویت ایمنی محیط، به واسطه بهبود و اصلاح شهر و شهرسازی است.

تأثیر و نقش برنامه ریزی شهری در فرآیند مدیریت بحران دارای ۵ مرحله می باشد که به شرح زیر عبارتند از:

مرحله اول: لحظه های وقوع سانحه که مقیاس زمانی آن در حد ثانیه تا حداکثر، دقیقه می‌باشد.

مرحله دوم: گریز و پناه.

مرحله سوم: عملیات نجات و امداد، که از ساعت‌های اولیه شروع و تا هفته ها ادامه می یابد.

مرحله چهارم : استقرار موقت. در این گام اسکان موقت و نیز استقرار کاربری‌های شهری مطرح می‌شود و از روزهای اول تا ماه‌ها به طول می‌انجامد.

مرحله پنجم : مرحله رفع آثار تخریب ناشی از سانحه بوده و عملیات پاک سازی و بازسازی را شامل می‌شود.

مرحله اول : از شرایط بحرانی هنگام وقوع سانحه است. عوامل ایجاد بحران و چگونگی آن در این مقطع به طور عمده به صورت آسیب کالبدی و به دنبال آن اختلال عملکردهای شهری و تلفات جانی می باشد و ناشی از چند مسئله است. موقعیت استقرار سکونتگاه در اراضی نامناسب و یا شیب ناپایدار، از مشخصات سازه‌ها و بافت شهری و آسیب پذیری ابنیه از مجاورت با یکدیگر و یا کاربریهای خطرناک از مهمترین عوامل ایجاد بحران هستند. به طور متعارف نقش مدیریت بحران را در این مرحله مورد ملاحظه قرار نمی‌دهند، اما واقعیت این است که پیش‌گیری از وقوع بحران و جلوگیری از آسیب کالبدی، اختلال عملکردی در تلفات جانی بخشی مهم از فرآیند عملیات مدیریت بحران است.

مرحله دوم : بعد از وقوع سانحه مرحله گریز و پناه است. در این مرحله تداوم تخریب‌ها و آسیب‌های کالبدی موجب تلفات جانی می‌شود. آسیب‌های کالبدی این مرحله به طور عمده آسیب‌های تبعی سانحه هستند که ناشی از آسیب تاسیسات زیر بنایی مانند گاز، برق و آب بوده و به صورت آتش‌سوزی‌ها، آب گرفتگی‌ها و نظایر آن در این مقطع ادامه می یابند. ویژگی کالبدی به عنوان عوامل ایجاد بحران در این مرحله، اعم از ویژگی‌های یک واحد ساختمانی یا تاسیساتی و یک گذر تا خصوصیات ترکیبی آنها در بافت شهری را در بر می‌گیرد.

در این مرحله پیش بینی فضاهای باز به تعداد کافی و یا فواصل زیاد و مناسب از بافت مسکونی و یا کاربری‌های عمومی پرجمعیت می بایست انجام گیرد که تا حد زیادی از تلفات جانی جلوگیری می‌کند. همچنین همجواری کاربری‌ها با یکدیگر از نظر تاثیر در تراکم جمعیت و دشواری گریز و پناه اهمیت می‌یابد و باید توزیع متعادل جمعیت در سطح شهر در نظر گرفته شود. از سوی دیگر همجواری برخی کاربری‌هایی که دارای فضای باز هستند، می‌تواند برای مکان پناه گیری اهالی یک بخش شهری پیش بینی و مورد استفاده قرار گیرد.

مرحله سوم : از شرایط بحرانی بعد از وقوع سوانح مربوط به عملیات نجات و تخلیه است. ساختار شهر به مفهوم تقسیمات شهری و تفکیک شهر به بخش‌های مختلف، توزیع متناسب مرکزهای شهری و امدادی در هر بخش، پوشش کامل شبکه راه‌ها، وجود دسترسی متعدد و مداوم برای ارسال کمک‌ها برای بخش‌های مختلف شهر و مشخصات بستر طبیعی نواحی مختلف شهر، می‌تواند سازماندهی عملیات امدادی را برای مدیریت بحران ساده تر نماید.

مرحله چهارم : در این مرحله اسکان افراد بی خانمان و نیز استقرار موقت کاربری‌هایی که دچار تخریب و آسیب شده اند، صورت می‌گیرد. استقرار موقت کاربری‌های حساس و مهم در سطح شهر بخشی از عملیات این مرحله به شمار آمده و در بازگرداندن شرایط عادی زندگی اهمیت بسزایی دارد. در صورت استقرار و راه اندازی کاربری‌هایی مثل بهداشت و درمان، آموزش، خدمات شهری و تاسیساتی، حیات و فعالیت شهر تداوم می‌یابد. ویژگی موقعیت قرارگیری کاربری‌های شهری و مشخصات قطعه بندی از جمله وسعت و تعدد دسترسی می‌تواند در استقرار موقت کاربری در صورت تخریب آن، در محل اولیه، موثر واقع شود.

